

دوفصلنامه علمی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال شانزدهم / دوره جدید / شماره ۵۴ / پاییز و زمستان ۱۳۹۹
صص ۹۱-۱۰۵ (مقاله پژوهشی)

موانع وحدت مسلمین در اندیشه محمدحسین آل کاشف الغطاء

● حمیدرضا شریعتمداری

دانشیار گروه شیعه شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب قم

shariatm46@gmail.com

● سید محسن آرز

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه حکیم سبزواری

sm.aziz16378@gmail.com

● موسی حکیمی صدر

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه حکیم سبزواری

moosazarghi@yahoo.com

● محمد اردمه

سطح چهار حوزه علمیه خراسان

ardamehm2@yahoo.com

● مجتبی داودی

دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

mdawdy140@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۸

چکیده

در تاریخ معاصر جهان اسلام، مسئله تقریب مذاهب به یکی از محورهای گفتگو میان مصلحان و اندیشمندان اسلامی تبدیل شده و نزد امامیه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. هرچند این افراد تلاش زیادی در راه تحقق وحدت بین مسلمانان می‌کنند، اما در برخی مواقع عواملی چند مانع از وحدت بین مسلمانان می‌شود. این عوامل گاه بیرونی و توسط دشمنان اسلام، و گاه درونی و در میان مسلمانان است. آیت‌الله محمدحسین آل کاشف الغطاء از جمله فقهای است که به جنبه‌های اجتماعی و سیاسی دین اسلام به‌خصوص بحث وحدت بین مسلمانان اهتمام جدی ورزیده است. وقایعی که در دوران زندگی این عالم رخ داده، از جمله جنگ جهانی اول و اشغال سرزمینهای اسلامی توسط اروپاییان پس از فروپاشی حکومت عثمانی، از علل مهم ورود ایشان به بحث وحدت بین مسلمانان و تبیین اهمیت آن برای مسلمانان محسوب می‌شود. در یک قرن اخیر علما و دانشمندان دینی با در نظر داشتن ضرورت وحدت و همبستگی میان مذاهب، پدیده‌ای را به نام تقریب مذاهب اسلامی مطرح کرده‌اند که تدبیری آگاهانه و نوعی آینده‌نگری در برابر تفرقه مسلمانان و طمع دشمنان اسلام محسوب می‌شود. آل کاشف الغطاء، عواملی مانند تعصب مذهبی، اهانت به مقدسات سایر مذاهب و همچنین قدرتهای استعماری را به‌عنوان موانع تحقق وحدت بین مذاهب اسلامی می‌داند.

کلیدواژه‌ها: وحدت، تقریب، آل کاشف الغطاء، مذاهب اسلامی، تعصب، اهانت.





مقدمه

وحدت و همگرایی در جامعه توحیدی پیش از آنکه دستوری و حیاتی باشد، امری عقلانی است که اگر به خوبی تبیین شود و در جامعه تحقق یابد، گذشته عزتمندانه اسلام و مسلمانان را تداعی می‌کند. در طول تاریخ اسلام، دانشمندان و عالمان دینی بزرگی برای ایجاد صلح و مدارا میان مسلمانان و سازگاری مذاهب اسلامی کوشیده‌اند. اما در یک قرن اخیر علما و دانشمندان دینی با در نظر داشتن ضرورت وحدت و همبستگی میان مذاهب پدیده‌ای را به نام تقریب مذاهب اسلامی مطرح کرده‌اند که تدبیری آگاهانه در برابر تفرقه مسلمانان و طمع دشمنان اسلام محسوب می‌شود.

پرداختن به موانع وحدت از نگاه آل کاشف الغطاء از این رو دارای اهمیت است که ایشان در دورانی به سر می‌برد که شعله‌های آتش جنگ جهانی اول به تمام دنیا زبانه می‌کشید و امپراتوری عثمانی با نزدیک به ۷۰۰ سال حکومت، در حال از بین رفتن بود و اروپاییان توانستند به سرزمینهای اسلامی سرازیر شوند و هرکدام منطقه‌ای را اشغال کنند.

در همین ایام غده‌ای سرطانی به نام اسرائیل در قلب سرزمینهای اسلامی روید. در این هنگام که مسلمانان از اشغال کشورشان به تنگ آمده بودند و دولت اسرائیل قلب آنها را به درد آورده بود، مسلمانانی در صحرای عربستان به قدرت رسیدند که همه مسلمانان را مشرک می‌دانستند. در این چنین شرایط و اوضاعی بود که محمدحسین آل کاشف الغطاء فریاد وحدت سر داد و همه مسلمانان را به وحدت و همدلی در برابر دشمن مشترک فرا خواند. او در این راه تلاشهای بسیار کرد و خطرات تفرقه و اختلاف را به همه مسلمانان گوشزد نمود و آنان را به وحدت فرا خواند و سعی کرد موانع وحدت بین مسلمانان را از بین ببرد.

شخصیت علمی محمدحسین آل کاشف الغطاء

شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء در سال ۱۲۹۴ ق در محله عماره نجف به دنیا آمد. پس از آنکه خواندن و نوشتن را نزد پدرش آموخت، در ۱۰ سالگی در حوزه علمیه نجف به فراگیری علوم اسلامی مشغول شد. وی ادبیات عرب، منطق، حساب، نجوم، فقه و اصول را در سالهای نخست تحصیل خود فرا گرفت. ایشان در ۱۵ سالگی نخستین کتاب خود را نگاشت! آل کاشف الغطاء از اساتید متعددی در علوم مختلف بهره برد، از جمله در فلسفه، عرفان و ریاضیات: مصطفی تبریزی، میرزا محمدباقر اصطهباناتی، شیخ احمد شیرازی، علی محمد نجف آبادی، ملا علی اصغر مازندرانی و آقا رضا همدانی، در اصول و فقه: شیخ علی باقر حنفی صاحب جواهر، شیخ حسن تویسرکانی، شیخ جعفر گلپایگانی، شیخ عبدالهادی بغدادی، آخوند خراسانی، سید محمدکاظم یزدی، آقا رضا همدانی و محمدتقی شیرازی، در درس خارج: شیخ الشریعه اصفهانی و آخوند خراسانی، و در حدیث، رجال و درایه: علامه میرزا حسین نوری را می‌توان نام برد. آل کاشف الغطاء چند دوره در درس خارج فقه و اصول سید محمدکاظم یزدی و آخوند خراسانی شرکت کرد و توانست قله اجتهاد را فتح نماید.^۲

آل کاشف الغطاء از کسانی چون، شیخ میرزا حسین خلیلی نجفی، شیخ علی خاقانی، شیخ عباس بن حسن آل کاشف الغطاء، شیخ عباس بن علی آل کاشف الغطاء و علامه میرزا حسین نوری، اجازه روایت گرفت. سید محمدکاظم یزدی هنگامی که نبوغ فکری و پشتکار شاگرد جوانش، محمدحسین را دید از او خواست تا در گروه پاسخ به استفتائات او حاضر شود، او نیز پذیرفت و به یاری استاد پرداخت. آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی نقش بسیار زیادی

۱. جنة المأوی، ص ۹.

۲. همان، ص ۲۳.

در شکل‌گیری شخصیت علمی آل کاشف الغطاء داشتند. نگاه آخوند خراسانی به مسائل سیاسی، تأثیر بسیاری در اندیشه‌های سیاسی آل کاشف الغطاء گذاشت.^۳

آل کاشف الغطاء پس از ۲۰ سال تحصیل و علم اندوزی، شروع به تدریس آموخته‌های خود کرد. او از بهترین شاگردان سید محمدکاظم یزدی بود. به همین خاطر، بسیاری از طلاب در درس او شرکت می‌کردند. درس او عمدتاً در مسجد هندی نجف و آرامگاه میرزای شیرازی در حرم حضرت امیرالمؤمنین (ع) تشکیل می‌شد. از شاگردان وی می‌توان به محمدجواد مغنیه، محمدحسین الزین العاملی، محمدرضا غراوی، عبدالواحد مظفر و سید محمدعلی قاضی طباطبایی اشاره کرد. او شرحی بر کتاب «العروة الوثقی» نوشت که شاید بتوان گفت نخستین شرح بر این کتاب می‌باشد. نوشتن حاشیه بر العروة الوثقی نشانگر اجتهاد پژوهشگر علوم دینی است.^۴

بعد از وفات سید محمدکاظم یزدی در سال ۱۳۳۷ق، آوازه علمی آل کاشف الغطاء در همه جا پیچید. به همین خاطر، شمار زیادی از مسلمانان ایران، هند، افغانستان، لبنان، سوریه، قطیف، مسقط و عسایر عراق، با وجود مرجعیت عام سید ابوالحسن اصفهانی خواهان تقلید از ایشان شدند. اصرار مردم از وی برای تقلید باعث شد، تا به نگارش رساله عملیه بپردازد. ایشان در این باره می‌گوید: «در سال ۱۳۳۲ق، هم‌زمان با آغاز جنگ جهانی اول به نجف بازگشتم و به ارشاد و دعوت مردم پرداختم؛ چندین بار برای مبارزه با دشمنان اسلام به جهاد رفتیم. پس از آنکه جنگ پایان یافت، استاد بزرگوام سید محمدکاظم یزدی وفات کرد. پس از رحلت وی دایره مرجعیت به سوی ما گسترش یافت، و من بر آن شدم تا رساله‌های عملیه گوناگونی بنویسم. این رساله‌ها عبارت بودند

از: الوجیزه به فارسی و عربی؛ حاشیه بر تبصره علامه و حاشیه بر عروه که شامل گران‌بهاترین تحقیقات در زمینه مسائل فقهی است».^۵

آوازه آل کاشف الغطاء به حدی رسید که از سراسر دنیا مانند آمریکا، آفریقا و ... برای ایشان نامه می‌آمد. استفتائات فراوان از آل کاشف الغطاء سبب شد، تا وی این سؤاها را به همراه جواب در مجموعه‌ای به نام «سؤال و جواب» به دو زبان عربی و فارسی منتشر کند.^۶

محمدحسین آل کاشف الغطاء علاوه بر اینکه وظایف یک عالم دینی را انجام می‌داد، آگاهی‌های بسیار خوبی از وضع زمان و سیاست حاکمان روزگار خود داشت. به همین خاطر، بخشی از وقت خود را صرف مسائل سیاسی و اجتماعی و آگاهی دادن به ملل مسلمان و ستیز با سرمایه‌داری و صهیونیسم می‌کرد. وی سفرهای زیادی به کشورهای اسلامی از جمله شام، لبنان، مصر، پاکستان و ایران کرد و در همایش‌های بین‌المللی به ایراد سخنرانی پرداخت و همچنین در نبردهای مسلحانه علیه انگلیس صریحاً فتوای جهاد داده و خود در آن شرکت کرد و جنگید.^۷

ایشان در جواب سؤالی مبنی بر اینکه چرا شما در سیاست دخالت می‌کنید، چنین پاسخ می‌دهد: «اگر مقصودتان از دخالت در سیاست، وعظ و ارشاد، مبارزه با فساد و پند دادن به سیاستمداران و قدرتمندان و بلکه به تمام مردم و نیز اعلام خطر از گرفتار شدن در چنگال استعمار و بندگی و در زنجیر بندگی افتادن و به یغما رفتن سرزمینهایشان باشد، به خدا پناه می‌برم که در این اعمال و کارها دخالت نکنم. آری من از فرق سر تا کف پا غرق در همین مطالبیم. و این کارها از واجبات و لازمات من است و من خود را در مقابل خدا و وجدان خود مسئول و متعهد می‌دانم و از اعمال واجب خود و پدرانم می‌دانم

۵. الفردوس الأعلى، ص ۳۷.

۶. الذریعة، ج ۱۴، ص ۶۱۶.

۷. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۱۰۶.

۳. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۱۰۶.

۴. جنة المأوی، ص ۱۹.





که بیش از ۳۰۰ سال است ریاست دینی را نه تنها در عراق به عهده داشته‌اند، بلکه در جهان اسلام رهبری دینی به عهده آنان بوده است»^۸.

هنگامی که جنگ جهانی اول در سال ۱۳۳۲ق، آغاز شد، نیروهای انگلیسی وارد عراق شده و بسیاری از شهرهای عراق را تصرف کردند. علمای شیعه عراق با آنکه دل خوشی از دولت عثمانی نداشتند، و در سایه حکومت آنها، از بدبهی ترین حقوق محروم بودند، اما براساس باورهای دینی نمی‌توانستند اشغال بخشی از سرزمین اسلام را به دست مسیحیان بیگانه تحمل کنند، از این رو، ضمن رد پیشنهادهای و وعده‌های اشغال‌گران که به طور حتم، به محرومیت تاریخی‌شان پایان می‌بخشید، فتوای جهاد علیه انگلیسیها را صادر و بسیاری از آنان، شخصاً در این جهاد شرکت کرده و راهی جبهه‌ها شدند. آل کاشف الغطاء نیز خود را به کوت که خط مقدم نبرد با انگلیسیها بود، رساند و اسلحه به دست گرفت و به دفاع از وطن پرداخت.^۹ اقدام علما و شیعیان عراق در دفاع از مرزهای عثمانی که به باور آنان دفاع از دارالاسلام بود، نخستین گام عملی وحدت‌گرایی شیعیان در آستانه فروپاشی خلافت عثمانی بود. در این نوشتار به تبیین موانع وحدت و تقریب مذاهب اسلامی از دیدگاه علامه کاشف الغطاء پرداخته می‌شود.

تعریف مفاهیم

در ابتدا، تعریف برخی اصطلاحات ضروری به نظر می‌رسد.

۱) تفرقه

تفرقه در لغت به معنای جدایی و پراکندگی است.^{۱۰} دهخدا در توضیح واژه «تفرقه» می‌نویسد: «پراکنده کردن، پراکنده شدن، پراکنده و جدا جدا کردن

چیزی».^{۱۱} تفرقه از مهم‌ترین عوامل نابودی یک امت و ایزاری همیشگی برای پیشبرد نقشه‌های دشمنان آن است. همان‌گونه که وحدت نیروهای خودی برای دشمن، شکننده و وحشت آفرین است، تفرقه و اختلاف آنان باعث تقویت روحی و شادمانی دشمن می‌شود. دشمن با بهره‌گیری از این نقطه ضعف، بی‌گمان در صدد پیاده کردن نقشه‌های خود و وارد کردن ضربه‌های کاری بر پیکر نیروهای اسلام خواهد بود.

به عنوان مثال امام علی(ع) پس از اطلاع از گسترش تفرقه و اختلاف بین نیروهای خود، در مقابل نیروهای مهاجم این مطلب را به پیروان خود گوشزد کرده و فرمود: «آنها در یاری کردن باطل، وحدت دارند، و شما در دفاع از حق متفرقید! شما امام خود را در حق نافرمانی کرده و آنها امام خود را در باطل فرمان‌بردارند!».^{۱۲}

۲) تقریب

واژه تقریب از باب تفعیل و از ماده قرب به معنای نزدیک و نزدیکی اخذ شده است. چنان‌که گفته‌اند: «قرب یدل علی خلاف البعد».^{۱۳} در جای دیگر چنین آمده است: «القرب نقیض البعد» و «اذا رفع الفرس یدیه معاً و وضعهما معاً، فذلک التقرب».^{۱۴}

تقریب در اصطلاح به معنای نزدیک کردن پیروان مذاهب اسلامی از راه شناخت مشترکات یکدیگر و توسعه مشترکات به منظور دستیابی به برادری دینی براساس اصول مسلم و مشترکات اسلامی می‌باشد که بر پایه علم و خرد نهاده شده است، نه عواطف و احساسات زودگذر.^{۱۵}

این واژه در کاربرد اصطلاحی چند دهه اخیر و بعد از تشکیل «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» به همت

۱۱. لغت‌نامه، ج ۵، ص ۶۸۴.

۱۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۵.

۱۳. معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۸۰.

۱۴. لسان العرب، ج ۱۱، ص ۸۲.

۱۵. اسلام آئین همبستگی، ص ۲۴.

۸. المثل العلیا فی الإسلام لا فی بحدون، ص ۹۳.

۹. تعامل دیانت و سیاست در ایران، ص ۲۹۶.

۱۰. فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ص ۵۰۴.

مرحوم محمدتقی قمی و جمعی از علمای الازهر و با پشتیبانی آیت‌الله بروجردی در سال ۱۹۴۷م، به عنوان اندیشه و حرکتی در جهت درهم شکستن تعصبات مذهبی، کاهش و یا نشان دادن اختلافهای مذهبی به‌ویژه از نوع فقهی، و گردآوری امت اسلامی پیرامون مشترکات دینی به حساب آمده است.^{۱۶} البته می‌توان به جای تقریب مذاهب اسلامی، عنوان گویاتر تقریب پیروان مذاهب اسلامی را به کار برد.

محمدحسین آل کاشف الغطاء در رابطه با معنا و هدف تقریب و بر طرف کردن برداشتهای نادرست از آن می‌نویسد: «مقصود از تقریب بین مذاهب اسلامی از بین بردن اصل اختلاف میان آنها نیست، بلکه تنها آرزو و مهم‌ترین هدف این است که این اختلافات موجب دشمنی و عداوت نگشته و دوریها و مشاجره‌ها به برادری و نزدیکی تبدیل گردد ... تقریب می‌خواهد بگوید تمام مسلمانان بر این کلمه اتفاق دارند که قرآن کریم وحی و الهام از جانب خداوند بوده و عمل به آن واجب است. قرآن بر لزوم اتفاق و برادری تصریح نموده و از تفرق و دشمنی نهی می‌کند و مسلمانان را برادر قرار داده، می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...»، آیا پس از اتفاق بر اینکه عمل به نصوص قرآن واجب است، در پراکندگی و عداوت و دشمنی بین آنها چه بهانه‌ای است...»^{۱۷}

۳) وحدت

واژه «وحدت» در لغت به معنای یگانه بودن و یکی شدن است، و در مقابل کثرت و اختلاف به کار رفته است.^{۱۸} همچنین گفته شده است: «الْوَحْدَةُ: الانفراد، و الْوَأَحِدُ فِي الْحَقِيقَةِ هُوَ الشَّيْءُ الَّذِي لَا جِزَاءَ لَهُ الْبَيْتَةُ»^{۱۹} اما وحدت اسلامی در اصطلاح، عبارت است از اهتمام برای رسیدن به نوعی یگانگی در منافع و اهداف و نزدیکی در باورهای دینی، از سوی کسانی که به‌رغم

اجتهادات مختلف، مشترکات بسیاری دارند، مانند اعتقاد به خدایی واحد، پیامبری واحد، و برخورداری از یک کتاب آسمانی مشترک.^{۲۰} اسلام دینی است که همگان را به وحدت فرا خوانده است؛ قرآن نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم هشدارها و امیدهایی را برای تحقق وحدت بیان کرده است.^{۲۱} محمدحسین آل کاشف الغطاء وحدت را مقوله‌ای رفتاری و منشی، و به معنای سجایا و صفات، رفتارها و منشها و پایندهای پایدار و اخلاق برجسته تعریف کرده است.^{۲۲}

موانع وحدت

۱) تعصب

تعصب به معنای حمیت، انکار نمودن و زیر بار نرفتن آمده است.^{۲۳} در اصطلاح، خوی و صفتی است که انسان را وادار به حفظ آبرو و حسب و نسب و اقوام و نپذیرفتن گفته‌های دیگران می‌کند، چه بر حق باشند چه باطل. به عبارتی طرف‌داری از عقیده و یا مذهب و فرقه خود، بدون استدلال و توجیه منطقی کافی است.^{۲۴} در عصر حاضر تعصب به عنوان مهم‌ترین مانع در راه تقریب مذاهب مطرح است، تا جایی که آل کاشف الغطاء بعد از مشاهده تعصبات شدید مذهبی از سوی عالمان اهل سنت رسماً از تقریب مذاهب اسلامی اظهار یاس و ناامیدی می‌کند.^{۲۵} ایشان درباره تعصب و گرفتاری برخی از علما به این صفت چنین می‌گوید: «من انتظار داشتم با این مطالب روشن و صریحی که در این کتاب (أصل الشيعة و أصولها) درباره شیعه و معرفی مذهب شیعه کردم، بعضی از برادران اهل تسنن دست از تهمتهای ناروا در این مورد بردارند، اما

۲۰. امامان شیعه و وحدت اسلامی، ص ۱۸.

۲۱. نسیم همبستگی، ص ۳۰.

۲۲. کیف يتحد المسلمون حول الوحدة الإسلامية، ص ۳۶.

۲۳. مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۰۹.

۲۴. همبستگی ادیان و مذاهب اسلامی، ص ۲۲.

۲۵. این است آیین ما، ص ۶۳.

۱۶. پیشینه تقریب، ص ۹.

۱۷. «بیان للمسلمین»، ص ۲۶۸.

۱۸. لسان العرب، ج ۱۵، ص ۲۳۲.

۱۹. مفردات ألفاظ القرآن، ص ۸۵۷.





متأسفانه مثل اینکه مطالب ما را به کلی نادیده گرفته و درست همان حرفهای گذشته را تکرار می‌کنند...^{۲۶} چاپ سوم این کتاب (أصل الشیعة و أصولها) در قاهره انجام گرفت و تمام نسخه‌های آن در همان‌جا انتشار یافت، ولی عجب این است که کوچک‌ترین تغییری در لحن نویسندگان مصری درباره شیعه پیدا نشده، و باز هم همان مطالب بی‌اساس را که یادگار عصر ابن خلدونها و ابن حجر عسقلانیها است، به شیعه نسبت می‌دهند. آیا نباید اقلأً تغییر مختصری در طرز بحثهای آنها، در لحن نوشته‌های آنان پیدا شود؟^{۲۷} کار به جایی رسیده که این تعصبات دامن‌گیر خلفای فاطمی که آن همه خدمت به آن کشور کردند، نیز شده است».

ایشان این تعصب شدید را از سوی عالمان و اندیشمندان اهل سنت بسیار تأسف برانگیز می‌داند و می‌گوید: «اگر این کار از عوام سر می‌زد چندان جای تأسف نبود، ولی متأسفانه بعضی از افراد که در سلک اهل علم و فضیلت هستند، دوباره همان تهمت‌های مضحک و ناروا را از سر گرفته‌اند. بنابراین اگر به کلی مایوس شویم جا دارد».^{۲۸}

تعصب یعنی کم شدن روحیه حقیقت‌جویی و تقلید کورکورانه و دنباله روی کودکانه، به طوری که گفته‌های پیشینیان را بدون کمترین درنگ و تأملی در آن، به‌عنوان حقایق محض و تغییرناپذیری پذیرفته و تکرار کنیم. به همین خاطر، مجموعه‌ای از خرافات و موهومات و یا عقاید ناقص و برداشتهای سطحی، به‌عنوان باورهای مسلم دینی، قرن‌ها در میان مسلمانان جای گرفته است. بدیهی است مادامی که شخصیت زدگی و دنباله روی در محافل علمی و مذهبی حرف اول را بزند، هرگز امید به تغییر و اصلاح و تقریب نخواهد بود. محمدجواد مغنیه از اندیشمندان معاصر در این باره چنین می‌گوید: «عالم آن نیست که به

رأی خود و معتقدات نیاکان اطمینان نموده و بتواند پیرامون آن به خوبی گفتگو کند. بلکه عالم کسی است که واقعیت را از شخصیت و عواطف خود جدا کرده، آزاد و بی‌قید بیان‌دیشد و هیچ تعصبی نسبت به رأی علیه رأی دیگر به خرج ندهد. بلکه به هر گفته‌ای به‌عنوان تردید و سؤال بنگرد، هرچند گویندگان آن بسیار بوده و پیشینیان به آن ایمان آورده باشند».^{۲۹}

۲) اهانت به مقدسات سایر مذاهب اسلامی

یکی از عمده‌ترین و بنیادی‌ترین نیازها و دغدغه‌های انسان توجه و اشتیاق برای رسیدن به کمال مطلق و تقرب و توسل به او است. اصولاً ادیان برای این نازل شده یا به وجود آمده‌اند که انسان را در راه رسیدن به خدا یاری رسانند، بنابراین در همه ادیان، نمادها، نشانه‌ها، شعائر، کتب، زمانها و اماکن مقدسی وجود دارد که از طریق آنها، انسان می‌تواند به خدا نزدیک شده و با او در ارتباط و مواجهه باشد. به عبارت دیگر از طریق این مقدسات است که انسان می‌تواند به درگاه خدا راه یابد و حضور او و ارتباط با او را صمیمانه حس و تجربه کند.

بدون شک اهانت به مقدسات سایر مذاهب، یکی از مهم‌ترین موانع وحدت و عاملی مهم در تفرقه بین مسلمانان است. این یک اصل عقلایی است که آنچه را بر خود نمی‌پسندی بر دیگران می‌پسند. اگر ما نمی‌خواهیم به بزرگان، علما و اماکن و مراسم مذهبی ما بی‌ادبی و اهانت شود، دیگران نیز چنین خواسته‌ای از ما دارند. قرآن کریم این اصل را حتی درباره بت‌پرستان و کسانی که به جز خدا را می‌پرستند، مطرح می‌کند: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»^{۳۰} «و آنها را که جز خدا را می‌خوانند، دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی و به نادانی خدا را دشنام خواهند داد».

اگر در دنیای امروز متفکران و علما، عوامل و ریشه‌های بدبینی اهل سنت را به شیعیان جستجو کنند،

۲۶. کیف يتحد المسلمون حول الوحدة الإسلامية، ص ۶۳.

۲۷. همان، ص ۶۴.

۲۸. همان.

۲۹. «من أصول الشيعة الإمامية»، ص ۱۶۴.

۳۰. انعام، ۱۰۸.

خواهند دید که از اصلی‌ترین عواملی که موجب فاصله میان اهل سنت و شیعیان شده است، اهانت برخی از مسلمانان نسبت به مقدسات سایر مذاهب می‌باشد. همچنین، علایق و اعتقادات مذهبی به گونه‌ای است که هیچ‌کس حاضر نیست اهانت و بی‌ادبی به مقدساتش را بشنود. اگر کسی در ضمن سخنانش به مقدسات و اعتقادات مذاهب دیگر اهانت کند، همه استدلالهای خود را ضایع کرده است؛ یعنی هیچ‌کس از یک زبان و یا قلم اهانت‌گر، استدلال را قبول نمی‌کند. بنابراین نباید با سخنی که متضمن اهانت به مقدسات و باورهای پیروان مذهبی است، تمام تلاشها و استدلالهای منطقی خود را بی‌اثر کنیم.^{۳۱}

از آنجا که این موضوع به یکی از بزرگ‌ترین موانع وحدت مسلمانان تبدیل شده است، و هرگونه تلاش و حرکتی را برای تقریب مذاهب اسلامی با مشکل روبه‌رو می‌سازد، لازم است دانسته شود که آیا واقعاً این تفکر، آن‌گونه که مطرح می‌شود از ضروریات و لوازم مکتب تشیع است و یا اینکه بدون اهانت به مقدسات دیگران نیز می‌توان شیعه بود. با نگاهی دقیق به روایات ائمه اطهار(ع)، متوجه می‌شویم که آن بزرگواران هیچ‌گاه از شیعیان دشنام و یا لعن مخالفان را نخواستند. بلکه آنچه همواره مورد تأیید آن بزرگواران قرار داشت، شناخت باطل و جدا شدن از آن بوده است. همان‌گونه که امیرالمؤمنین(ع) در جنگ صفین، اصحاب خود را از لعن و نفرین اهل شام نهی کرده و فرمود: «برای شما نمی‌پسندم که آنان را لعن و ناسزا گوئید ... و چه نیکوست که به جای نفرین آنان چنین دعا کنید: خداوندا، جان ما و ایشان را حفظ و بین ما و ایشان را اصلاح بگردان و آنان را از گمراهیشان نجات ده! تا آن که حق را نمی‌داند، بشناسد و این برای شما نزد من بهتر و نیکوتر است.»^{۳۲} همچنین به امام صادق(ع) گفته شد که ما مردی را در مسجد می‌بینیم که آشکارا به دشمنان شما اهل بیت، دشنام می‌دهد. حضرت فرمود:

از این رو، در روز سوم ربیع الاول که صحن مطهر امام علی(ع) مملو از جمعیت بود، به منبر رفت و به سخنرانی پرداخت و مردم را از اهانت به مقدسات اهل سنت نهی و پیامدهای آن را گوشزد کرد.^{۳۴}

۳) قدرتهای استعماری

همان‌گونه که تفرقه و عدم وحدت یک آفت برای مسلمانان است، یک فرصت مغتنم و بسیار عالی برای قدرتهای استعماری و دشمنان اسلام به شمار می‌رود. در طول چهار قرن اخیر، شکاف و اختلاف بین مذاهب، مهم‌ترین حربه برای قدرتهای استعماری جهت ایجاد تفرقه بین ملتها و رسیدن به اهداف استعماری بوده است. قدرتهای استعماری در راستای اهداف سلطه‌جویانه با سیاست ایجاد تفرقه میان مذاهب اسلامی، دست به تضعیف دولت‌های مسلمان می‌زنند.

قرن نهم تا یازدهم قمری مصادف با حکومت صفویه در ایران، خلافت عثمانی در غرب جهان اسلام و امپراتوری گورکانیان هند در شرق دنیای اسلام، دوران اوج قدرت سیاسی جهان اسلام پس از سقوط بغداد در حمله مغول به شمار می‌آمد. پیشرفت و اقتدار مسلمانان در سایه مثلث قدرت عثمانی، صفوی و گورکانی، اروپای مسیحی را به فکر تشدید ضدیت

۳۱. همبستگی امت اسلامی، ص ۱۰۸.

۳۲. وقعة الصفین، ص ۱۰۳.

۳۳. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۱۷.

۳۴. تعامل دیانت و سیاست در ایران، ص ۲۹۶.





با اسلام و جدا نمودن مسلمانان از یکدیگر انداخت. آنان افرادی را در قالب تاجر، محقق و یا مکتشف به بلاد اسلامی رهسپار کردند. مأموریت اصلی این افراد، مطالعه مذاهب مختلف و ایجاد انحراف و تفرقه در مناطق اسلامی بود.^{۳۵}

اروپای مسیحی در این دوران با ایجاد پیوندهای مختلف با ایران و هند، زمینه بی‌اعتمادی این دو امپراتوری از یک سو و نزاع آنها با امپراتوری عثمانی را از سوی دیگر رقم زد. نتیجه این اقدامات، کشتارها و قتل‌عامهای وسیع به نام شیعه و سنی بین ایران و عثمانی بود. این درگیریها به درهم شکستن حکومت صفوی در نیمه قرن دوازدهم و در پی آن حمله نادرشاه به هند و فراهم شدن زمینه نابودی حکومت اسلامی در هند و تسلط انگلستان بر آن سرزمین انجامید. خلافت عثمانی نیز با حربه تفرقه و جدایی بین مسلمانان توسط قدرتهای استعماری، بعد از هفت قرن از هم پاشید.^{۳۶}

آل کاشف الغطاء در مورد نقش دولتهای استعماری در سرزمینهای اسلامی و تلاشهای آنان در تفرقه بین مسلمانان چنین می‌گوید: «دولتهای استعمارگر غربی برآنند که ما مسلمانان را در فقر نادانی و عقب‌ماندگی در جمیع شئون اجتماعی، صنعتی و نظامی نگهدارند، تا ما همیشه در برابر آنان تسلیم باشیم ... با یکدیگر درگیر باشیم و خون همدیگر را بریزیم. آنها می‌خواهند بین ما جنگ و آشوب به وجود بیاورند. استعمارگر تنها منافع خود را می‌بیند و برای حفظ آن ملتهای دیگر را نابود می‌سازد».^{۳۷}

قدرتهای استعماری به وسیله افراد خریداری شده و خود باخته‌ای که در میان جوامع اسلامی دارند، به اختلافات دامن می‌زنند. ایادی خود را تحریک

می‌کنند که به مقدسات همدیگر اهانت کنند و شخصیتها و افراد مورد احترام فرقه‌های مختلف اسلامی را ناسزا گویند و آتش فتنه و نزاع را شعله ور کنند.

آل کاشف الغطاء فریب مسلمانان توسط استعمارگران و در نتیجه تفرقه و اختلاف آنها را یک مصیبت دردناک می‌خواند و در این باره چنین می‌گوید: «راستی کدام مصیبتی اسف‌بارتر و دردناک‌تر از اینکه مسلمانان با دست خود یکدیگر را نابود کنند و غافل باشند که دشمنی که آنان را آلت دست خود قرار داده، چه نقشه‌هایی علیه آنان طرح کرده است. بیگانگان به ما اسلحه می‌دهند که با یکدیگر بجنگیم، تا تمام مسلمانان نابود شوند. نمونه آن را در میان دولتهای عرب که ملتشان را متفرق کرده و به جان هم انداخته‌اند، مشاهده می‌کنیم. اخیراً کشف شده که رئیس و هفت عضو اتحادیه عرب جاسوس انگلیس بوده و وظیفه آنان برانگیختن اعراب علیه یکدیگر بوده است».^{۳۸}

ایشان فاجعه فلسطین را نیز حاصل دسیسه‌های استعمار می‌داند و در این باره چنین می‌گوید: «این دولتهای عرب بودند که فلسطین را تسلیم یهود کردند و خلق مسلمان آن را آواره ساختند. استعمارگران فلسطین را به دست دولتهای اسلامی به قتل رساندند، تا ذبح شرعی و به دست مسلمانان و رو به قبله باشد و به این ترتیب خوردن و بلعیدن آن برای امپریالیستها و صهیونیستها حلال باشد».^{۳۹}

پیامدهای تفرقه

۱) نسبت دادن عقاید نادرست به یکدیگر از پیامدهای اختلاف و تفرقه بین مسلمانان، آن است که مذاهب اسلامی، عقاید نادرستی را به یکدیگر نسبت می‌دهند. پدیده‌ای که در طول تاریخ، صدمات فراوانی به اسلام و وحدت مسلمانان وارد ساخته

۳۸. همان، ص ۶۸.

۳۹. همان، ص ۳۸.

۳۵. جنبشهای اسلامی معاصر، ص ۱۸۶.

۳۶. ر.ک: «نقش قدرتهای سیاسی در گسترش اختلافات مذهبی».

صص ۱۳۷ و ۱۳۸.

۳۷. المنل العلیا فی الإسلام لا فی بحدون، ص ۴۲.



آل کاشف الغطاء از اینکه اندیشمندان و عالمان اهل سنت بدون مطالعه و تحقیق در منابع شیعه، نسبتهایی را به شیعه می‌دهند، گلایه می‌کند و عذر آنان را در نبود منابع نمی‌پذیرد. ایشان معتقد است نسبتهای ناروا، آثار نامطلوبی در جامعه اسلامی داشته و فضای صمیمی بین مسلمانان را تیره می‌کند، به همین خاطر اندیشمندان سایر مذاهب اسلامی را دعوت به مطالعه آثار شیعه می‌کند و از آنها می‌خواهد که از روی انصاف و به دور از تعصب مذهب شیعه را بررسی کنند؛ زیرا اگر مذهب شیعه به درستی و از روی انصاف و بی‌نظری و خالی از هرگونه تعصب بررسی شود، ارزش این نسبتهای ناروا و بی‌اساس کاملاً روشن می‌شود.^{۴۵} برخی از نسبتهای ناروا به شیعه از این قرارند:

الف) اخذ عقاید شیعه از منابع سایر ادیان: از مطالب ناروا و کذبی که برخی از اندیشمندان اهل سنت به شیعه نسبت می‌دهند و آل کاشف الغطاء به آن پرداخته، این است که شیعه عقاید خود را از ادیان دیگر اخذ کرده است. به عنوان نمونه احمد امین، نویسنده متعصب اهل سنت در کتاب *فجر الإسلام*، در این باره چنین می‌گوید: «حق این است که آیین تشیع پناهگاهی است برای کسانی که می‌خواهند تعلیمات پدران یهودی یا نصرانی یا زرتشتی خود را وارد اسلام کنند، اغراض شوم خود را در پناه آیین تشیع انجام می‌دهند. به عنوان مثال آثار یهودیت در تشیع به صورت اعتقاد به رجعت و بازگشت امامان، و همچنین این جمله که آتش دوزخ بر همه شیعیان جز افراد کمی حرام است ظاهر شده است. این سخن همان ادعای یهود است که می‌گفتند: «وَقَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً»؛^{۴۶} «آتش دوزخ جز روزهای معدودی به ما نخواهد رسید». آثار مسیحیت نیز در تشیع در این جمله ظاهر شده است که می‌گویند: نسبت امام به خدا مانند نسبت مسیح است به او. آثار براهمه نیز در اعتقاد به تناسخ ارواح، تجسم

و زمینه بدبینی دائمی فرقه‌های اسلامی را نسبت به یکدیگر فراهم آورده است.^{۴۰} ریشه برخی از نسبتهای ناروا، هواهای نفسانی، توطئه‌های دشمنان اسلام، جهل، و اعتماد به نقل گذشتگان است، بی‌آنکه منطق، عقل و تاریخ آن را تصدیق کند.^{۴۱}

آل کاشف الغطاء درباره برخی از نسبتهای ناروا اهل سنت به شیعه که ایشان را سخت به تعجب واداشته است، چنین می‌گوید: «افرادی مثل دکتر عبداللطیف حمزه در کتاب خود (*الحركة الفكرية*) می‌نویسد: شیعه‌ها هر شب بعد از نماز مغرب دم درب سردابی که در سامرا است، ایستاده و فریاد می‌زنند: ای امام منتظر بیرون بیا، یعنی همان تهمت خنده‌آوری را که بعضی از متعصبان خرافی چند قرن پیش به شیعه می‌زدند، عیناً تکرار نموده است، بدون اینکه کوچک‌ترین تحقیقی درباره صحت و سقم این مطلب بنماید».^{۴۲}

شگفتی آل کاشف الغطاء از این است که سامرا یک شهر سنی نشین است و متولیان سرداب نیز همه سنی هستند، ولی تا به حال هیچ‌یک چنین منظره‌ای را ندیده‌اند، همچنین مسجدی که سرداب در آن واقع شده است، همیشه در اختیار برادران اهل سنت بوده است و شبانه روز پنج مرتبه در آن نماز می‌خوانند، چطور هیچ‌یک از آنها چنین منظره‌ای را ندیده‌اند، ولی آقای دکتر عبداللطیف از فرسنگها فاصله دیده است؟^{۴۳} ایشان نسبتهای ناروا را وسیله‌ای برای عداوت و تفرقه بین مسلمانان می‌داند و در این باره چنین می‌گوید: «آیا این سخن احمد امین که می‌گوید: تشیع همیشه پناهگاهی بوده است برای کسانی که می‌خواسته‌اند اسلام را نابود کنند، آتش کینه و عداوت را در قلوب عموم شیعیان جهان روشن نمی‌سازد و عواطف میلیونها شیعه را جریحه‌دار نمی‌کند؟»^{۴۴}

۴۰. میزگرد تقریب بین مذاهب اسلامی، ص ۷۷.

۴۱. نک: غالبان: کاوشی در جریانها و برآیندها تا پایان سده سوم.

۴۲. أصل الشیعة و أصولها، ص ۶۵.

۴۳. همان، ص ۶۶.

۴۴. همان، ص ۷۷.

۴۵. شیوه‌های تعامل و همزیستی پیروان مذاهب اسلامی، ص ۲۹۷.

۴۶. بقره، ۸۰.



خدا و حلول در تشیع ظاهر شده است».^{۴۷}

آل کاشف الغطاء به این مطلب کذب که از سوی برخی عالمان اهل سنت مطرح می‌شود، جوابی منطقی و مستدل می‌دهد و این افراد را به مطالعه آثار شیعه دعوت می‌کند و چنین می‌گوید: «این سخن، درست مانند این است که کسی بگوید یهودیت در آیین اسلام خودنمایی کرده است؛ زیرا یهود به خداوند یگانه اعتقاد دارد و مسلمانان نیز عقیده به یکتایی خداوند متعال دارند. آیا این گونه سخن گفتن، یک منطقی بی‌اساس و استنباط غلط و بی‌پایه نیست؟ علاوه بر آن، آیا عقیده به رجعت یکی از ارکان و اصول مذهب شیعه است، تا موجب ایراد بر این مذهب گردد و بگویند یهودیت در آیین تشیع از طریق قول به رجعت خودنمایی کرده است؟ همچنین این مطلب که شیعه عقیده دارد آتش دوزخ بر شیعیان حرام است، در کدام کتاب از کتب شیعه آمده است؟ مگر در کتابهای مختلف شیعه این حقیقت با صدای رسا اعلام نشده است که «خلق الله الجنة لمن اطاعه و احسن و لو كان عبداً حبشياً و خلق النار لمن عصاه و لو كان سيداً قرشياً»؛ «خداوند متعال بهشت را برای اطاعت کنندگان آفریده است اگرچه غلام حبشی باشد و دوزخ را برای گنهکاران آفریده، اگرچه سید قرشی باشد» و امثال این روایت از ائمه هدی (ع) بسیار نقل شده است. در رابطه با عقیده به تناسخ ارواح، تجسم خدا و حلول، کتابهای کلامی ما استدلالهای فراوان و کوبنده‌ای را در ابطال این امور مطرح کرده‌اند که اکنون این کتب موجود است و به طبع رسیده است که اگر از روی انصاف و بی‌نظری و خالی از هرگونه تعصب بررسی شود، ارزش این نسبت‌های ناروا و بی‌اساس کاملاً روشن می‌گردد، و معلوم می‌شود ما هرگز قائل به تناسخ ارواح، حلول، اتحاد و تجسم خدا نبوده‌ایم و هیچ فرد حقیقت‌جو و مطلعی نمی‌تواند چنین نسبت‌های

ناموزونی به ما بدهد».^{۴۸}

ب) نابودی دین اسلام توسط شیعیان: از دیگر اتهاماتی که برخی از اندیشمندان اهل سنت به شیعه نسبت می‌دهند، این است که می‌گویند شیعیان در پناه این مذهب قصد داشتند دین اسلام را نابود کنند. احمد امین در کتاب *فجر الإسلام*، به دنبال مطالب بی‌اساسی که در مورد شیعه می‌گوید، در این باره چنین اظهار نظر می‌کند: «تشیع پناهگاهی است که هرکس می‌خواهد اساس اسلام را بر اثر عداوت یا حسد درهم بکوبد، به آن پناه می‌برد».^{۴۹}

آل کاشف الغطاء در جواب به این نسبت بی‌اساس چنین می‌گوید: «کدام یک از طبقات شیعه می‌خواسته‌اند اساس اسلام را درهم بکوبند، آیا طبقه اول شیعه که از شخصیت‌های برجسته اصحاب پیامبر (ص) مانند سلمان فارسی، ابوذر، مقداد و عمار بودند؟ یا شخص امیرالمؤمنین علی (ع) که همه اعتراف دارند اگر او و فداکارهای او نبود، هرگز شاخه‌های درخت اسلام بارور نمی‌شد. و یا طبقه تابعین از شیعه مانند احنف بن قیس، عطیه عوفی، حسن بن صالح و اصبع بن نباته. آیا این دسته از تابعین معروف که همه شیعه بودند، می‌خواستند اساس اسلام را در هم بکوبند یا دسته دیگری از شیعیان که بعد از تابعین آمدند؟ آیا اینها می‌خواستند اسلام را نابود کنند و شما (احمد امین) و دوستانتان اساس اسلام را محکم ساختید؟ باید برای همیشه با چنین اسلامی وداع کرد».^{۵۰}

ج) تأسیس شیعه توسط شخصی به نام عبدالله بن سبأ: از دیگر نسبت‌های ناروا و بی‌اساسی که برخی از اندیشمندان و علمای اهل سنت در رابطه با مذهب شیعه می‌گویند، این است که بنیان‌گذار تشیع به صورت تفکری مستقل، شخصی یهودی الاصل به نام

۴۸. أصل الشيعة وأصولها، ص ۱۰۹.

۴۹. فجر الإسلام، ص ۲۳۰.

۵۰. همان، ص ۱۰۶.

۴۷. فجر الإسلام، ص ۲۳۰.



کردن دشمن اصلی، همدیگر را دشمن می‌دانند،^{۵۷} و از یکدیگر در برابر دشمن دفاع نمی‌کنند و هر گروه، گروه دیگر را به دلیل خصومت و دشمنی در مقابل دشمن حقیقی اسلام، تنها می‌گذارند. آل کاشف الغطاء این رفتار مسلمانان را شدیداً مذمت کرده و بر آنان نهیب می‌زند: «یهودیان با آتش بمب و اسلحه به جان عرب و مسلمانان قریه قبیله افتادند، خانه‌هایشان را به آتش کشیدند، زنان و فرزندان آنان را نابود ساختند، اما فاصله این دهکده تا سربازان اردنی چند متر بیشتر نبود. سربازان اردنی ناله و فریاد مسلمانان را به گوش خود می‌شنیدند و شعله‌های آتش را که برادرانشان را می‌سوزاند می‌دیدند. راستی کدام مصیبتی اسفبارتر و دردناک‌تر از اینکه مسلمانان با دست خود یکدیگر را نابود کنند، آیا شما تاکنون در عرض این مدت که یهود به دهکده‌های اردن و سایر مکانهای مرزی کشورهای عربی حمله می‌کنند، شنیده‌اید که اعراب یک سگ یا گربه یهودی را کشته باشند».^{۵۸}

به تعبیر یکی از اندیشمندان و سیاستمداران معاصر، این روحیه مسلمانان نسبت به همدیگر و عدم حمایت از یکدیگر عمده‌ترین دلیل زورگویی استکبار می‌باشد: «الآن كفر جهانی خیالش از همکاری دنیای اسلام راحت است، اگر خیالش راحت نبود، این چنین با ما رفتار نمی‌کرد. استکبار امروز با خاطر راحت هر جا که منافعش ایجاب می‌کند، وارد می‌شود و فشار می‌آورد، زور می‌گوید و ظلم می‌کند و عمده‌ترین دلیلشان هم اطمینان از عدم حمایت مسلمانان از یکدیگر است. نمونه آن همین مسئله فلسطین یا کوزوو که الآن مطرح است. صربها واقعاً در کوزوو قصابی کردند، آن گورهای دسته جمعی، و آن کشتارها، واقعاً امت اسلامی چقدر برایش بها داشت و چقدر دلسوزی کرد، چقدر خرج کرد، چقدر فداکاری کرد و چقدر روابطش را تحت تأثیر قرار داد؟ دنیای اسلام خیلی راحت از این مسئله می‌گذرد و هیچ حمایتی از هم‌کیشان خود

۵۷. تشیع و تسنن، ص ۱۰۴.

۵۸. المثل العليا فی الإسلام لا فی بجمدون، ص ۶۷.

عبدالله بن سبأ^{۵۱} بوده است.^{۵۲} این افراد می‌گویند این عقیده که خلافت حق علی(ع) است و دیگران از جمله عثمان حق او را غصب کرده‌اند، در اواخر خلافت عثمان، توسط عبدالله بن سبأ برای تفرقه و شکاف در دین اسلام، اظهار شد و اشاعه یافت.^{۵۳}

آل کاشف الغطاء در رد این ادعای بی‌اساس همگان را دعوت به مطالعه کتب شیعه می‌کند و می‌گوید: «بهترین راه برای شناسایی طرز قضاوت شیعه نسبت به عبدالله بن سبأ این است که سری به کتابهای شیعه بزنیم. در تمامی کتب شیعه بدون استثنا او را لعن کرده و از وی بیزاری جسته‌اند، و کمترین سخنی که درباره او در کتب رجال گفته‌اند، این است که عبدالله بن سبأ ملعون‌تر از آن است که درباره او بحث شود. از این گذشته هیچ بعید نیست که جریان عبدالله بن سبأ جزء خرافات و موهوماتی باشد که افسانه نویسان آنها را در عالم خیال خلق کرده‌اند».^{۵۴}

افرادی که این نظریه را مطرح می‌کنند، آیا از خود نپرسیده‌اند که چگونه ممکن است یک شخص، آن هم با سابقه یهودی بتواند سرنوشت سازترین رخداد قرن اول قمری را سامان دهد و در پی آن به تأسیس و طرح عقیده‌ای بپردازد که شمار زیادی از مسلمانان را به پیروی از خود وا داشته است.^{۵۵}

۲) عدم دفاع از یکدیگر در برابر دشمن

گاه اختلاف و تفرقه میان مسلمانان تا جایی پیش می‌رود که مذاهب مختلف، همدیگر را دشمن می‌پندارند و به جای توجه به دشمن واقعی، یکدیگر را هدف گرفته و زمینه نابودی خود را فراهم می‌کنند.^{۵۶} در این حال، پیروان مذاهب با تعصبهای کورکورانه و بدون در نظر داشتن شرایط جامعه اسلامی و با فراموش

۵۱. درباره این شخصیت نک: عبدالله بن سبأ و دیگر افسانه‌های تاریخی.

۵۲. بحوث فی الملل و النحل، ج ۶، ص ۱۰۶.

۵۳. نشأة الفكر الفلسفی فی الإسلام، ج ۲، ص ۳۷.

۵۴. أصل الشیعة و أصولها، ص ۱۲۳.

۵۵. خاستگاه تشیع و پیدایش فرقه‌های شیعی در عصر امامان، ص ۱۵۱.

۵۶. عوامل سقوط حکومتها در قرآن و نهج البلاغه، ص ۱۴۰.



نمی‌کند».^{۵۹}

آل کاشف الغطاء متذکر می‌شود که مسلمانان به خاطر همین روحیه بیشتر از یکدیگر، احساس ترس می‌کنند، تا دشمن واقعی: «کار به جایی رسیده است که مسلمانان از نزدیک‌ترین برادران خود جز کارشکنی و تهمت چیزی نمی‌بینند و جز خرابکاری انتظاری ندارند. حتی وحشت و ترس آنان از برادران مسلمانان کمتر از ترس از کفار و دشمنان نیست. با این حال چگونه می‌توان انتظار پیروزی و عظمت داشت؟ محال است که مسلمانان بدون کمک و مساعدت به یکدیگر متحد شوند».^{۶۰}

۳) اتحاد با دشمن

اختلاف و تفرقه علاوه بر آنکه شناخت دشمن را برای افراد، سخت می‌کند، آسیب دیگری نیز دارد و آن اینکه ممکن است گروه‌های مسلمان، با دشمنان اصلی خود، برای نابودی رقیب متحد شوند. از این‌گونه انحرافات در تاریخ اسلام، نمونه‌های بسیاری می‌توان یافت. به عنوان نمونه اتحاد حکومت صفویه با غرب برای جنگیدن با امپراتوری عثمانی، و همچنین پس از سقوط و تجزیه عثمانی، حکومت‌هایی که به وسیله استعمارگران نصب شدند، همسو با حرکت‌های استعماری در جهت تفرقه و تجزیه امت اسلامی حرکت کردند. به همین دلیل عملکردها و جهت‌گیری‌هایشان در داخل و خارج از کشورشان، علیه مصالح کل مسلمانان و به نفع استعمار بوده است، چه از طریق پیمان‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی و چه از طریق کمک‌های نظامی و تسلیحاتی از استعمارگران که دشمن واقعی همه مسلمانان هستند.

ثمره این اتحاد همان‌گونه که آل کاشف الغطاء متذکر می‌شود، آن است که امت اسلامی روز به روز ناتوان‌تر شده و نابودی آن آسان‌تر می‌شود. ایشان اتحاد دولتهای اسلامی با استعمارگران را تیری سه شعبه

می‌داند که بر پیکر جامعه اسلامی اصابت می‌کند: «من نمی‌دانم چرا موقعی که دولت عراق دولتهای عربی را برای اتحاد اسلامی دعوت می‌کند، با دولتهای دیگر هم‌پیمان می‌شود؟ آیا این کار جمع بین دو ضد و دو نقیض نیست و آیا مانند این نیست که در میان آب به جستجوی آتش بپردازیم؟ چرا با دولتی که دوست اسرائیل است و اول دولتی است که آن را به رسمیت شناخت و همیشه مبلغ اجناس و مؤید تجاوزاتش می‌باشد، هم‌پیمان باشیم؟ بدون تردید ورود عرب در پیمان‌های استعماری تیری است بر قلب ملت‌های عرب، تیری سه شعبه».^{۶۱}

آل کاشف الغطاء به همه دولتهای اسلامی پیشنهاد می‌دهد که با یکدیگر هم‌پیمان شوند و به هیچ دولت استعماری اجازه ورود به آن پیمان را ندهند: «مهم‌ترین کاری که مسلمانان باید انجام دهند، این است که پیمان‌های راستین و صمیمی بین دولتهای اسلامی به وجود آورند که دولتهای استعمارگر غربی در آن شرکت نداشته باشند».^{۶۲}

آخر چه حاجتی به پیمان بستن با دشمنان وجود دارد، در حالی که بهترین نقاط سوق الجیشی حساس دنیا در دست مسلمانها است، از تنگه جبل الطارق، کانال سوئز تا تنگه هرمز و همچنین منابع انرژی اکثراً در کشورهای اسلامی است. اگر با همدیگر متحد می‌بودیم و دست دوستی به سوی دشمن دراز نمی‌کردیم، با این ثروت و موقعیت ممتازی که در جهان داریم، این‌گونه فلسطین، سودان، کشمیر و کوزوو این چنین مورد ظلم قرار نمی‌گرفتند.^{۶۳} باید به این نکته توجه کنیم که چرا غالب کمک‌ها و پیمان‌های کشورهای غربی با مسلمانان غالباً کمک و پیمان نظامی است؟

آل کاشف الغطاء هدف اصلی از کمک‌های نظامی به

۶۱. همان، ص ۴۸.

۶۲. همان، ص ۴۹.

۶۳. همبستگی امت اسلامی، ص ۱۵۶.

۵۹. همبستگی امت اسلامی، ص ۱۵۴.

۶۰. المثل العلیا فی الإسلام لا فی بجمدون، ص ۵۶.



نتیجه‌گیری

۱. یکی از فقهایی که به جنبه‌های اجتماعی و سیاسی دین اسلام به‌خصوص بحث وحدت بین مسلمانان اهتمام جدی ورزیده، محمدحسین آل کاشف الغطاء می‌باشد. برخی از حوادثی که در زمان زندگی این عالم رخ داده، مانند جنگ جهانی اول، فروپاشی حکومت عثمانیان و اشغال سرزمینهای اسلامی توسط اروپاییان را می‌توان از مهم‌ترین علل ورود ایشان به بحث وحدت بین مسلمانان و تبیین اهمیت آن برای مسلمانان برشمرد.

۲. آل کاشف الغطاء وحدت را مقوله‌ای رفتاری و منشی، و به معنای سجایا و صفات، رفتارها و منشها و پایندهای پایدار و اخلاق برجسته تعریف کرده است و موانع تحقق وحدت اسلامی را این امور می‌داند: الف) تعصب: ایشان در راستای رفع تعصبات کورکورانه و تبیین واقعیات در مورد مذهب تشیع کتاب «أصل الشیعة و أصولها» را نگاشت، اما به گفته خود ایشان، این کتاب تأثیر چندانی در رفع تعصبات نداشت. ب) اهانت به مقدسات سایر مذاهب اسلامی: کاشف الغطاء اهانت به مقدسات سایر مذاهب اسلامی را مانعی بزرگ در برابر تقریب مذاهب اسلامی دانسته و در جلوگیری از اهانت به مقدسات اهل سنت تلاش بسیار کرده است. ج) قدرتهای استعماری: ایشان تلاش غریبه‌ها برای فقر و عقب‌ماندگی اجتماعی، صنعتی و نظامی را از علل تفرقه و جنگ بین مسلمانان عنوان کرده که مصادیق متعددی از این جنگها در طول تاریخ شاهدهی بر صحت این ادعا است. قدرتهای استعماری علاوه بر تفرقه پراکنی به‌طور مستقیم در میان مسلمانان، از طرق دیگری نیز بر جوامع اسلامی تأثیر گذاشته‌اند از جمله: دلسردی مردم از دین اسلام، تربیت نسل بی‌ایمان، و ترویج بی‌بندوباری؛ همه این موارد یک هدف را دنبال می‌کنند و آن نابودی دین اسلام است که ان شاء الله با هوشیاری علمای اسلامی و مردم مسلمان به تحقق نخواهد پیوست.

دولتهای مسلمان را نابودی همه مسلمانان به دست یکدیگر می‌داند و چنین دست استعمارگران را رو می‌کند: «بی‌پروایی و وقاحت را ببینید، استعمارگران اسلحه‌های تخریبی و نابودکننده را بدون قید و شرط تسلیم اسرائیل می‌کنند که کاری جز جنگ با اعراب ندارند و به اعراب هم سلاحهای بی‌ارزش می‌دهند و شرط می‌کنند که در راه جنگ با اسرائیل استفاده نشود. من نمی‌دانم اگر اعراب با این سلاحها با اسرائیل نجنگند، پس با چه کسی بجنگند؟ آیا مسلمانان دشمنی دردناک‌تر و مرموزتر از اسرائیل دارند؟ آری بیگانگان با زبان حال که گویاتر از زبان عادی است، می‌گویند: ما به شما اسلحه می‌دهیم که با یکدیگر بجنگید، تا تمام شما مسلمانان نابود شوید. ای کاش سیاستمداران عراق و مسئولان آن، که می‌توانند پیمانهای جدیدی به وجود آورند، سعی می‌کردند دولتهای اسلامی را متحد و ملتشان را متفق و امورشان را اصلاح کنند و وحدت اسلامی را برقرار سازند. این دولتهای عرب بودند که فلسطین را تسلیم یهود کردند».^{۶۴}

آل کاشف الغطاء همچنین، منظور از پیمانهای نظامی استعمارگران با دولتهای مسلمان را تأمین منافع غربیان و درهم شکستن جنبشهای آزادی خواهی می‌داند و می‌گوید: «راستی اکنون که تمام ممالک عربی در قبضه استعمارگران است، به چه جهت سعی می‌کنند پیمان نظامی با مسلمانان به وجود آورند؟ این کار چند علت می‌تواند داشته باشد: الف) جنبش آزادی خواهی و نهضت بیداری مسلمانان و انقلاب ملت عرب را با نیرو و سرباز بیگانه درهم بکوبند و به دنبال آن نه تنها تسلط اقتصادی و مادی خویش را حفظ کنند، بلکه بر منافع و درآمدهای خویش بیافزایند. ب) سربازان جوان کشورهای اسلامی را به میدان جنگ بکشانند و هرگاه حادثه‌ای واقع شد و ملتی علیه استعمارگران به پا خاست، سربازان ممالک اسلامی به دفاع از منافع استعمارگران بپردازند».^{۶۵}

۶۴. المثل العلیا فی الإسلام لا فی بحدون، ص ۵۰.

۶۵. همان، ص ۵۸.

- قرآن کریم. تهران، بعثت، ۱۳۵۴ ش.
- اسلام آئین همبستگی، عبدالکریم بی آزار شیرازی، تهران، بعثت، ۱۳۵۴ ش.
- أصل الشیعة و أصولها، محمدحسین آل کاشف الغطاء، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۱۳ ق.
- امامان شیعه و وحدت اسلامی، علی آقانوری، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۷ ش.
- این است آیین ما (ترجمه أصل الشیعة و أصولها)، محمدحسین آل کاشف الغطاء، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، نسل جوان، ۱۳۴۷ ش.
- بحار الأنوار، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- بحوث فی الملل و النحل، جعفر سبحانی، بیروت، الدار الإسلامية، ۱۴۱۱ ق.
- «بیان للمسلمین»، محمدحسین آل کاشف الغطاء، مجله رساله الإسلام، شماره ۷، ۱۳۶۹ ق.
- پیشینه تقریب، محمدعلی آذرشب، ترجمه رضا حمیدی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۴ ش.
- تشیع و تسنن، سید غلامحسین صادقی، قم، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۱ ش.
- تعامل دیانت و سیاست در ایران، موسی نجفی، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، ۱۳۷۸ ش.
- جنبشهای اسلامی معاصر، سید احمد موققی، تهران، سمت، ۱۳۸۰ ش.
- جنة المأوی، محمدحسین آل کاشف الغطاء، قم، دار أنوار الهدی، ۱۴۲۶ ق.
- خاستگاه تشیع و پیدایش فرقه‌های شیعی در عصر امامان، علی آقانوری، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر سید محمدکاظم موسوی بجنوردی، ج ۲، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
- الذریعة إلى تصانیف الشیعة، آقابزرگ تهرانی، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۳ ق.
- شیوه‌های تعامل و همزیستی پیروان مذاهب اسلامی، حسین رجبی، قم، آثار نفیس، ۱۳۸۸ ش.
- عبدالله بن سبأ و دیگر افسانه‌های تاریخی، مرتضی عسکری، ترجمه سید احمد فهری زنجانی و عطا محمد سردارنیا، قم، دانشکده اصول الدین، ۱۳۹۰ ش.
- عوامل سقوط حکومتها در قرآن و نهج البلاغه، نصرت‌الله جمالی، قم، نهاوندی، ۱۳۷۸ ش.
- غالیان: کاوشی در جریانها و برآیندها تا پایان سده سوم، نعمت‌الله صفری فروشانی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰ ش.
- فجر الإسلام: بیحث عن الحیة العقلیة فی صدر الإسلام إلى آخر الدولة الأمویة، احمد امین، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۶۹ م.
- الفردوس الأعلى، محمدحسین آل کاشف الغطاء، قم، دار أنوار الهدی، ۱۴۲۶ ق.
- فرهنگ معاصر عربی - فارسی، آذرتاش آذرنوش، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹ ش.
- کیف يتحد المسلمون حول الوحدة الإسلامية: افکار و دراسات، محمدحسین آل کاشف الغطاء، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۹۹۶ م.
- لغت‌نامه، علی‌اکبر دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
- المثل العليا فی الإسلام لا فی بحدون، محمدحسین آل کاشف الغطاء، ترجمه جلال‌الدین فارسی، تهران، جیبی، ۱۳۳۶ ش.
- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.
- معجم مقاییس اللغة، احمد ابن فارس، بیروت،



- دارالجیل، ۱۹۹۱م.
- مفردات ألفاظ القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، دمشق، دارالقلم؛ بیروت، الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
- «من أصول الشيعة الإمامية»، محمدجواد مغنیه، مجله رسالته الإسلام، شماره ۱۸، ۱۳۷۲ق.
- میزگرد تقریب بین مذاهب اسلامی، سید هادی خسروشاهی، قم، کلبه شروق، مرکز بررسیهای اسلامی، ۱۳۸۱ش.
- نسیم همبستگی (از اتحاد ملی تا انسجام اسلامی)، سید حسین اسحاقی، قم، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۶ش.
- نشأة الفكر الفلسفی فی الإسلام، علی سامی نشار، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۹۷م.
- «نقش قدرتهای سیاسی در گسترش اختلافات مذهبی»، محمدحسین رفیعی، مجله مطالعات فقه تربیتی، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۷ش.
- نهج البلاغه، محمد بن حسین شریف رضی، ترجمه و شرح علی نقی فیض الاسلام، تهران، فقیه، ۱۳۷۵ش.
- وقعة الصفین، نصر بن مزاحم منقری، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- همبستگی ادیان و مذاهب اسلامی، محمدابراهیم جناتی، قم، انصاریان، ۱۳۸۱ش.
- همبستگی امت اسلامی: مجموعه سخنرانیهای حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی در کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی، اکبر هاشمی رفسنجانی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۷۹ش.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

